

زلزله فاجعه بار بم و بحران روانی



صبحگاه جمعه ۸۲/۱۰/۵ همه چیز در بم لرزید و در کمتر از یک دقیقه همه ساخته‌ها ویران شد. در آنی ویرانی، خاموشی، شیون، تنهایی و ناباوری سراسر بم را در نوردید، و تا روزها و هفته‌ها سرگردانی و شگفت‌زدگی گریبان آسیب‌دیدگان، بازماندگان، مردم ایران و جهانیان را فرا گرفت. فاجعه وسیع و دردناک بود، ده‌ها هزار کشته و مجروح، و نزدیک به یکصد هزار نفر داغدار و دردمند از سوگواری، افسردگی و اختلال روانی ناشی از فاجعه، همه چیز به هم ریخته بود، نه تنها هیچ ساختمان و تأسیساتی بلکه هیچ مدیریتی و هماهنگی دیده نمی‌شد.

فاجعه دوم در بم نیز اتفاق افتاد، همان‌گونه که یافته‌های دیگر نقاط جهان نشان می‌دهد. دیررسیدن امداد، ناهماهنگی برنامه‌ها، به هم ریختگی ساختار مدیریتی، نبود برنامه کارآمد و از قبل تعیین شده و تمرین شده، تنگ‌نظری‌ها و بی‌دانشی‌های مدیران، برنامه‌های تبلیغاتی هیجانی و گاه ساده‌لوحانه رسانه‌ها، همه در روز دوم و سوم، فاجعه دوم را رقم زد و تلفات و خسارات زلزله را تا چند برابر افزایش داد. به گفته گروهی از بمی‌ها امدادگران به راه‌رفتن روی مخ مردم پرداختند. راست می‌گفتند چون، بیل و کلنگ و ابزار الکترونیک یا پیشرفته‌ای نداشتند که بتوانند قربانیان را از زیر آوار بیرون بکشند، آنها فقط

خودشان و احساسات پاکشان و قلبشان را به بم آورده بودند، مدیری، فرماندهی، یا سازمان مجهزی - با ساختار و برنامه کارآمدی آنها را اعزام نکرده بود.

بحران فراگیر، تمام کشور را فراگرفت. مجروحین به بیمارستان‌های شهرهای بزرگ سرازیر شدند. هیچ برنامه، آمادگی یا آموزشی از قبل وجود نداشت؛ بلکه مردم احساساتی و فداکار، خودجوش هر آنچه در فکر و توان داشتند ارایه می‌کردند.

ربع قرن تلاش انستیتو روانپزشکی تهران و ۳۵ شماره نشریه اندیشه و رفتار گویای نگرش و توانایی‌های انستیتو در پاسخ‌گویی به نیازهای کشوری بهداشت روان است. این انستیتو که به دنبال سال‌ها تلاش، امروز شایستگی خود را با به‌دست آوردن عنوان‌های "قطب علمی روانپزشکی کشور" و "مرکز تحقیقات بهداشت روان" نشان داده است توانست پس از زلزله با استفاده از منابع مالی خود با انتشار ۸ بروشور و انجام یک پژوهش، و حضور مستمر در صحنه برنامه‌های بهداشت روان زلزله‌زدگان بم آبرومندانه خدمتی و تجربه‌ای نو را رقم بزند، که در این شماره به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

پیشنهاد انستیتو روانپزشکی تهران که بارها به وزرای بهداشت، معاونین و مدیران کل وزارتی و مسئولین دانشگاه علوم پزشکی ایران، یادآور شده مجدداً تکرار می‌گردد که این نهادها وظیفه دارند مراکز دانشگاهی و پژوهشی را به‌گونه‌ای تقویت نمایند تا همواره بازوی علمی و اجرایی آنها باشند، تا در بحران‌های گوناگون و از جمله بلایای طبیعی، برنامه‌های علمی مدون، مشخص، اجرایی و تجربه شده داشته باشند. همان‌گونه که تجربه‌ی قبلی بهداشت روان زلزله‌زدگان توانست در این زمینه رهگشا و مثمر‌تر و مفید باشد و همچنان که در گزارش این شماره آمده است گوشه‌ای از درد دردمندان را کاهش دهد.

بیاید همه بپذیریم که مدیران اجرایی و ارشد کشور بدون استفاده از پژوهشگران و دانشگاهیان و بدنه مراکز پژوهشی و دانشگاهی قادر به حل معضلات کشور و برنامه‌ریزی علمی و اجرایی کارآمد، جهت ارایه خدمت به مردم نیازمند کشورمان نمی‌باشند.

سردبیر